

کشف انجیل‌های نجع حمادی و بازنگری در اناجیل رسمی مسیحیت*

دکتر منصور معتمدی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بیش از پنجاه سال از کشف متون نجع حمادی مصر می‌گذرد. این متون به جماعتی از گنوسیان مسیحی تعلق داشت که از بدنه اصلی مسیحیت بریده بودند. متون مذکور از جهات متعددی در مطالعات دین شناختی و حتی اسلام شناختی دارای اهمیت فراوانند. یکی از جهات اهمیت آنها در مطالعات اسلامی این است که چند انجیل بسیار کهن در میان این متون وجود دارند که حتی متقدمتر از اناجیل رسمی مسیحیانند. از طرفی، از قرآن می‌توان چنین برداشت کرد که انجیل اصیل و حقیقی کتابی غیر از اناجیل مورد قبول مسیحیت است. در اناجیل نجع حمادی، هم به تفاوت‌های عقیدتی با مسیحیت رایج بر می‌خوریم و هم در آنها مواردی را می‌توان نشان داد که با تعالیم قرآن همانندی‌هایی دارند اما در عهد عتیق و جدید نمی‌توان از آنها سراغ گرفت. با این همه، نمی‌توان ادعا کرد که انجیلی که مطمح نظر قرآن یا سنت اسلامی قرار دارد قطعاً و عیناً، یکی از اناجیل موجود در متون نجع حمادی است. از میان انجیل‌های نجع حمادی، انجیل توماس احتمالاً کهن‌تر از انجیل‌های رسمی مسیحیت است.

کلیدواژه‌ها: انجیل، تحریف، اهل کتاب، عهد عتیق، عهد جدید، گنوسیان،

متون نجع حمادی، مسیحیت.

* - تاریخ وصول: ۸۳/۵/۱۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۳/۷/۲۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه نویسنده است که در دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر فتح‌الله مجتبابی استاد دانشگاه تهران به انجام رسیده و از آن دفاع شده است. نگارنده، این نوشتار را به روان زنده‌یاد دکتر محمود رامیار که در چند حوزه پژوهشی آثار ابتکاری و ماندگاری بر جای نهاده‌اند تقدیم می‌کند.

مقدمه

در مطالعات اسلامی بحث مربوط به انجیل از جهات متعددی حائز اهمیت است. در قرآن دوازده بار از انجیل نام برده شده است. قرآن مجید در همه این موارد، آن را کتابی می‌داند که به حضرت عیسی (ع) داده شده است و آن را کتاب هدایت و نور معرفی می‌کند و در مجموع، نگاه تصویب آمیزی به آن دارد (آل عمران، ۳ و ۴۸؛ مائده، ۴۶ و آیات دیگر). به این سبب، انجیل نزد مسلمانان همواره از حرمت و تقدس برخوردار بوده و گاه به آن سوگند یاد شده است (کلینی، ۵۶۲/۲). قرآن مجید در آیاتی از مسیحیان می‌خواهد که به انجیل عمل کنند (مائده، ۴۷ و ۶۶ و ۶۸). همچنین، در برخی از آیات بی‌آنکه نامی از انجیل برده شود، با بیان کلی آنچه را پیش از اسلام نازل شده مورد تأیید قرار می‌دهد (بقره، ۴؛ نساء، ۶۰ و ۱۶۲) که با توجه به نگاه تأییدآمیزی که گفتیم قرآن به انجیل دارد، بی‌گمان می‌توان یکی از مصادیق این حکم کلی را انجیل در نظر گرفت. در قرآن آیاتی وجود دارد که میان آنها با انجیل‌های رایج در نزد مسیحیان مشابهت‌هایی به چشم می‌خورد (مثلاً آل عمران، ۴۷ - ۴۵؛ قس، متی، ۲۳/۱؛ لوقا ۳۸/۱ - ۲۶) لیکن آیاتی هم هست که نمونه‌های مشابهی برای آنها در انجیل‌های رایج نمی‌توان یافت اما در برخی از انجیل غیررسمی می‌توان نظائری برای آنها نشان داد (مائده، ۱۱۰).^۱ موارد دیگری هم هست که در هیچ متن رسمی و غیررسمی مسیحیت نمی‌توان نمونه‌ای برای آنها به گونه‌ای که در قرآن به آن تصریح شده است پیدا کرد (اعراف، ۱۵۷؛ صف، ۶). در این دو آیه از پیش‌بینی انبیای سلف، و از جمله، حضرت عیسی (ع) در مورد ظهور حضرت رسول (ص) و تصریح به نام مبارکش، احمد، سخن

۱. مثلاً در انجیلی موسوم به *انجیل صباوت عیسی* داستانی مشابه داستان دمیدن حضرت عیسی (ع) در گل و پرنده شدنش آمده است. رش.

رفته است.^۱ از طرفی، در قرآن از انجیل به صورت مفرد سخن می‌رود حال آنکه آنچه مورد قبول مسیحیان است اناجیل چهارگانه است. البته، تفاوتها میان قرآن کریم و اناجیل رسمی و غیررسمی فقط محدود به این موارد نمی‌شود. در اناجیل، از تصلیب و تثلیث سخن به میان آمده که قرآن بر بطلان این باورها تصریح می‌کند.

به سبب همین تفاوتهاست که مسلمانان این پرسش را مطرح می‌کردند که انجیل مورد تأیید قرآن کدام است؟ و آیا در اناجیل رسمی مسیحیت تحریف انجام گرفته است؟ در روایات و اخباری گفته شده است که بعضی از حقیقت جوین مسیحی و غیرمسیحی (مثل سلمان فارسی) نسخه‌هایی از انجیل اصیل را در اختیار داشته‌اند (نسائی، ۳۳/۸ - ۲۳۱؛ سیوطی، ۷۸/۶ - ۱۷۷). در کتب امامیه هم گفته شده که نسخه اصیل انجیل از پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) و سایر امامان منتقل شده است (کلینی، ۵/۱ - ۴۴، ۲۵۵، ۲۲۷، ۲۴۰). مسأله تحریف انجیل نیز لااقل از دو منظر مورد تأکید و تأیید قرار می‌گرفت. اولاً، اگر انجیل نیز به سان قرآن حاصل وحی الهی است نباید میان این دو کتاب تفاوتی وجود داشته باشد. پس حتماً دستکاریهایی در آن انجام گرفته است. ثانیاً، میان خود چهار انجیل تفاوتها و تناقض گوییهایی وجود دارد که جمع میان آنها ناممکن می‌نماید (کیرانوی، سراسر جلد اول؛ لازاروس یافه، ۱۱۱). با این همه، در

۱. در دو جا از انجیل یوحنا (۱۶/۱۴؛ ۲۷/۱۵-۲۳) واژه پاراکلیتوس Paraklytos آمده است. اما مفهوم این واژه سخت محل مناقشه است. مسیحیان آن را به معنی تسلی دهنده و روح القدس می‌گیرند (سی‌تی، انجیل ایمان، ۵۴ - ۱۵۳). در ترجمه این بخش از انجیل یوحنا در کهن‌ترین کتب مسلمانان معادل این واژه را "المنحما" می‌گذاشتند (سیره ابن اسحاق، طبع و مستنفلد، ۵۰ - ۱۴۹، به نقل از کارادو وو، 502. قس با پریندر، 97). المنحما واژه‌ای کهن است و طرفه آنکه عربی یا سریانی نیست بلکه واژه‌ای فلسطینی، احتمالاً آرامی است (کارادو وو، همانجا). در مورد نظر یک مبلغ مغرض مسیحی درباره این واژه، رش. فاندر، ۱۸۹ - ۱۸۶. در این زمینه مسلمانان کتابها و رسائل متعددی پرداخته‌اند، لیکن آنچه رحمه‌الله کیرانوی آورده شاید جامع‌ترین و مستدل‌ترین سخن باشد (۴۴۵/۲ - ۴۱۸). کتاب شیخ رحمه‌الله به رغم آنکه حدود یکصد و پنجاه سال از تألیفش می‌گذرد هنوز بهترین کتاب در نقد مسیحیت است.

خود قرآن صریحاً از تحریف انجیل سخن گفته نشده بلکه با بیانی کلی از کار ناصواب "اهل کتاب" در کتمان حق (بقره، ۱۴۶) یا در به حساب آوردن آنچه جزء "کتاب" نیست (آل عمران، ۷۸) سخن به میان آمده است.

انجیل علاوه بر آنکه در مباحث مربوط به قرآن و احادیث مورد توجه قرار می‌گیرد در کتب تاریخی اسلامی نیز محل عنایت است. در اینجا، شاید همین قدر کافی باشد که بگوییم یعقوبی، طبری، مسعودی و بیرونی از چهار انجیل نقل قولهای فراوانی کرده‌اند (کارادو وو، ۵۰۳). اما در کتب تاریخی و نیز آثار عرفانی و اخلاقی مسلمانان آنچه از انجیل و کلاً از زبان عیسی (ع) نقل می‌شود فقط برگرفته از این چهار انجیل نیست بلکه حجم اقوال، امثال، قصص و حکمی که به نحوی از انحا از حضرت عیسی (ع) و انجیل نقل شده چنان زیادند و نظارتی هم در چهار انجیل ندارند که باید به دنبال مآخذ و منابع دیگری بگردیم.^۱

از آنچه تاکنون گفتیم می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که با توجه به تفاوت‌های موجود میان آنچه در قرآن گفته شده و مضامین اناجیل رایج و نیز با نظر به اینکه در نوشته‌های گوناگون مسلمانان اقوال و قصصی وجود دارند که در اناجیل مورد پذیرش مسیحیان

۱. طریف خالدی در کتابی که اخیراً تألیف کرده، حدود ۳۰۳ مورد از این اقوال و احادیث را از سده دوم ق. تا سده دوازدهم ق. فراهم آورده است:

Khalidi, Tarif. *The Muslim Jesus*. Harvard University Press, 2001.

نگارنده این سطور، کتاب خالدی را در دست ترجمه دارد. همچنین، کتب و مقالات دیگری هم در این زمینه به نگارش درآمده‌اند. از آن جمله، مقاله‌هایی است در مورد اقوال و امثال حضرت عیسی (ع) در کتب شیعی. از باب نمونه:

Ayoub, Mahmoud M., "Towards an Islamic Christology: An Image of Jesus in Early Shī'ī Muslim Literature", *The Muslim World*, July, 1976, PP. 163-188.

مهدی منتظر قائم و محمد لکنه‌اوزن هم در دو مقاله به انعکاس سخنان عیسی (ع) در روایات و حکایات شیعی پرداخته‌اند:

Al-Tawhid, 13, no.3 (fall 1996), PP. 21-40; *ibid.*, 13, no. 4 (winter 1996), 45-56.

نشانی از آنها نمی‌توان یافت سراغ گرفتن از اناجیل دیگر کار کاملاً موجه و بلکه لازمی است. دانشمندان مسلمان در اشاراتی که به کتبی مانند *انجیل برنابا* کرده‌اند^۱ و به تفحص در آنها پرداخته‌اند بی‌گمان، چنین انگیزه‌ای داشته‌اند. نوشتار حاضر نیز در پی معرفی چند انجیل کهن است که در اواسط سده بیستم کشف شده‌اند.

راقم این سطور مدعی نیست که به انجیل مورد نظر قرآن و یا حتی سنت اسلامی دست یافته است و می‌خواهد آن را بشناساند بلکه می‌خواهد بگوید که با تکیه بر کشفیات اخیر در نجع حمادی می‌توانیم به افقهای جدیدی در این زمینه دست پیدا کنیم و نشان دهیم تعداد کتابهایی که در نخستین سده‌های میلادی تحت عنوان انجیل وجود داشته، به مراتب بیش از آن چیزی است که تاکنون گمان می‌رفته است. برخی از محققان که هم با متون نجع حمادی آشنایند و هم با کتب اسلامی انس دارند به خوبی به مقایسه میان متون مذکور با امثال و قصص و حکم مطرح در کتب اسلامی پرداخته و نتایج جالب توجهی گرفته‌اند (خالدی، ۸).

متون نجع حمادی

در سال ۱۹۴۵ در منطقه نجع حمادی مصر علیا متونی به زبان قبطی کشف شد که به تعبیر یکی از محققان ایرانی "تاریخ مسیحیت را دگرگون کرد" (پورجوادی، ۳۸ - ۳۲). نوشته‌های گنجانده شده در این مجموعه طیف وسیعی را شامل می‌شود. آثار گنوسی^۲

۱. ظاهراً نخستین محقق مسلمانی که از انجیل برنابا نام برده و به محتویاتش اشاره کرده، رحمه‌الله کیرانوی است (ج دوم، ۴۴۱ - ۴۴۰). باید اعتراف کنیم که نسخه‌هایی که از این انجیل در دست داریم تفاوت‌هایی با تعالیم قرآنی و اسلامی دارد. رش. مقاله "برنابا" به قلم نگارنده در دائرة المعارف بزرگ اسلامی و نیز: *گرفیت*، ۳۴۳.

۲. آیین یا آیین‌های گنوسی Gnosticism مشربی است که حدوداً در سده اول م. پا گرفت و در سده‌های دوم و سوم رواج و رونق یافت. گنوسیان معتقد بودند که نیل به رستگاری فقط با در اختیار داشتن معرفت (= gnosis) حاصل می‌آید؛ دنیا، شر و ساخته‌ایزدی غیر از خداوند متعال است؛ میان روح و جسم تباین کاملی برقرار است؛ خدای عهد عتیق غیر از خداوند عهد جدید است. برای آگاهی از

هرمسی^۱، مکاشفه‌ای^۲ و حتی بخشی از جمهور افلاطون در این متون به چشم می‌خورند. این که متون نجع حمادی را چه کسی یا کسانی نوشته، ترجمه و تدوین کرده یا گرد آورده‌اند محل بحث و نظر است. اما در این که میان رساله‌های گوناگون این مجموعه اشتراکاتی هست و همین نقاط و نکات اشتراک موجب کنار هم قرار گرفتن آنها شده است تردیدی وجود ندارد. مسأله‌ای که محققان بر آن اتفاق نظر دارند آن است که این متون به گنوسی‌ان تعلق دارند.

متون نجع حمادی مشتمل بر سیزده جُنگ^۳ می‌شوند و دو هر جُنگی از یک تا هشت رساله آمده است که البته برخی رساله‌ها مفقودند. تعداد رساله‌های به دست آمده از نجع حمادی، بدون احتساب رساله‌های تکراری، ۴۵ رساله است.^۴ چهار رساله از این



آراء و عقائد گنوسی بهترین مأخذ در زبان فارسی این مقاله است: ایلخانی، محمد. "مذهب گنوسی"، معارف، دوره دوازدهم، شش ۱ و ۲، فروردین - آبان ۱۳۷۴، ص ۳۱ - ۱۶. در زبان انگلیسی بهترین کتاب، این منبع است:

Jonas. Hans. *Gnostic Religion, The Message of the Alien God and Beginnings Of Christianity*. Boston, 1970.

۱. در زبان فارسی، مقاله سید حسین نصر، گویا کماکان بهترین مقاله در معرفی آیین هرمسی و مخصوصاً آثار و کتب هرمسی در تمدن اسلامی است: "نوشته‌های هرمسی در جهان اسلامی"، *مجله دانشکده ادبیات*، سال دهم، دی ماه ۱۳۴۱. این مقاله در مجموعه ذیل هم به چاپ رسیده است:

معارف اسلامی در جهان معاصر، تهران ۱۳۷۳، ص ۹۴ - ۹۵.

۲. نوشته‌های مکاشفه‌ای Apocalyptic در اصطلاح، آثاریند که در آنها طی کشف و شهودی که به فرد دست می‌دهد وعده و وعیدها و پیشگویی‌هایی درباره امور مختلف، از جمله در زمینه آخر الزمان به شخص القا می‌شود.

3. Codex.

۴. کل متون نجع حمادی به دست عده‌ای از بزرگترین پژوهندگان و صاحب‌نظران در آیین‌های گنوسی و با نظارت جیمز رابینسون به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است:

The Nag Hammadi Library in English, directed by James M. Robinson, 2nd ed. Leiden.

1984.

از این پس، به این کتاب با حروف NHLE ارجاع و اشاره خواهیم کرد.

چهل و پنج رساله عنوان "انجیل"^۱ بر خود دارند. اینها عبارتند از: *انجیل حقیقت*^۲ (جنگ اول، رساله سوم؛ جنگ دوازدهم، رساله دوم)؛ *انجیل توماس*^۳ (جنگ دوم، رساله دوم)؛ *انجیل فیلیپ*^۴ (جنگ دوم، رساله سوم)؛ *انجیل مصریان*^۵ (جنگ سوم، رساله دوم؛ جنگ چهارم، رساله دوم). در نزد گنوسی‌ان انجیل دیگری نیز وجود داشته که *انجیل مریم*^۶ نام دارد. این انجیل در نجع حمادی به دست نیامده بلکه مدت‌ها قبل از اکتشافات نجع حمادی و در جای دیگری از مصر کشف شده است، مع الوصف، چون مجموعه‌ای که این انجیل در آن آمده (مجموعه رساله‌های گنوسی محفوظ در برلین به شماره ۸۵۰۲، رساله اول) در مصر کشف شده و از طرفی، همه رساله‌های آن مضامینی گنوسی دارند و زبانش نیز قبطی است در ترجمه انگلیسی متون نجع حمادی در کنار این متون ترجمه شده و انتشار یافته است. به همین سبب، ما نیز این انجیل را در کنار چهار انجیل نجع حمادی ذکر و محتوای آن را بررسی می‌کنیم.

در نوشتار حاضر، به صورت بسیار مجمل و کلی به معرفی این پنج انجیل می‌پردازیم. بار دیگر می‌گوییم که آنچه در پی آنیم نشان دادن این واقعیت است که در سده‌های نخستین میلادی *اناجیلی غیر از انجیل‌های چهارگانه*^۷ در میان مسیحیان وجود داشته‌اند و به هیچ وجه نمی‌خواهیم بگوییم که انجیل مورد اشاره قرآن مجید یکی از این پنج انجیل است. زیرا در برخی از همین *اناجیل* هم آراء و عقائدی طرح شده‌اند که چندان با تعالیم اسلامی همخوانی ندارند.

1. Gospel

2. G. of Truth

3. G. of Thomas

4. G. of Philip

5. G. of The Egyptians

6. G. of Mary

۷. چهار انجیل رایج عبارتند از متی، مرقس، لوقا و یوحنا. از این میان، سه انجیل نخست را در اصطلاح، *انجیل‌های همدید* یا *همنظر Synoptic* گویند.

انجیل حقیقت

انجیل حقیقت (NHLE, pp. 37 - 49) یک رساله گنوسی است و احتمالاً متعلق به والتینیان^۱ باشد. یکی از نخستین آباء کلیسا به نام ایرنانوس که در حدود سال ۱۸۰ م. کتابی در رد و طرد گنوسیان نگاشت از این انجیل نام می برد. بنابراین، متن اصلی این انجیل که به زبان یونانی بوده احتمالاً در اواسط سده دوم به نگارش در آمده است. عده ای از پژوهندگان را عقیده ای بر آن است که حتی شاید خود والتینوس این رساله را نگاشته باشد. البته نگارش این انجیل به دست شخصی در قرن دوم با ادعای ما مبنی بر وجود اناجیل متعدد و کهن منافات پیدا نمی کند زیرا خود همین مسأله نشان می دهد که سنت انجیل نویسی در مسیحیت آن زمان وجود داشته و والتینوس نیز همگام با این سنت، انجیلی نوشته است.

این رساله، به رغم آنکه "انجیل" خوانده شده تفاوت آشکاری با انجیل‌های عهد جدید دارد. زیرا، بر خلاف انجیل‌های عهد جدید، به کارها و سرگذشت حضرت عیسی (ع) نمی پردازد بلکه، انجیل به معنی دقیق کلمه، یعنی بشارت یا "اخبار نیکو" درباره عیسی (ع) و پسر ابدی و الهی و "کلمه" است که "پدر" را آشکار می سازد و شناخت، مخصوصاً خود شناسی را یاد می دهد. گنوسیان با این خودشناسی در می یابند که چه کسانیند و از کجا آمده اند و به کجا می روند و در می یابند که اصولاً خود، پسران این "پدر"ند و اصلی الهی دارند. آغاز از خداست و انجامشان به خدا منتهی می شود. از نظر گنوسیان، آدمی با این شناختی که به خویشتن می یابد به بهجت و کمال می رسد و با آن می تواند از ظلمت دیجور جهل و بی خبری به حیات پر سرور و وصال با "پدر" نائل آید.

۱. پیروان والتینوس Valentinus (تولد در اواخر سده اول یا اوایل سده دوم م.) از معلمان بزرگ گنوسی.

به رغم تفاوت‌هایی که میان انجیل حقیقت و کتاب مقدس وجود دارد مضامین مشابه و مشترکی با عهدین را نیز می‌توان در آن نشان داد (یوناس، 19-309).

انجیل توماس

انجیل توماس (NHLE, pp. 117 - 30) مجموعه‌ای از اقوال، امثال و نبوت‌های عیسی (ع) است. تعداد این سخنان ۱۱۴ است. رساله قطعی کشف شده، از متن یونانی ترجمه شده است. قطعاتی از متن یونانی که از موضع دیگری از مصر به دست آمده حدوداً در ۲۰۰م. به نگارش در آمده است. با این همه، دقیقاً معلوم نیست که زبان اصلی این انجیل یونانی، سریانی یا آرامی بوده است. ولی در اینکه متن اصلی در سده اول یا اوائل سده دوم نوشته شده تردیدی وجود ندارد (والانتاسیس، 12-21). حتی همان گونه که یکی از محققان گفته و این بنده هم بنا بر دلایلی آن را درست می‌داند، *انجیل توماس* از سه انجیل همدید کهن‌تر و احتمالاً منبع آنهاست. محل نگارش هم مشخص نیست اما احتمال داده‌اند که در یکی از سه موضع شام، فلسطین یا بین‌النهرین نوشته شده باشد. میان *انجیل توماس* و انجیل‌های همدید موارد مشابه فراوان است و چون اقوال و امثال یکصد و چهارده گانه‌اش عاری از هر گونه داستان پردازی و شاخ و برگ‌های اضافی است می‌توان این انجیل را مأخذ سه انجیل همدید دانست.^۱

در این انجیل، تأثیر عقائد گنوسی را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. سخنان طرح شده در آن حالتی سری و رمزی دارد و "هر کس تأویل این سخنان را بیابد طعم مرگ را نمی‌چشد". سالک اگر می‌خواهد به اصل خویشتن برگردد باید از دنیا دست بکشد و با چشم‌پوشی از نشئه ناپایدار کنونی باید از جامه جسمانی درگذرد. در این صورت

۱. داورس در فضلی مستقل به مقایسه *انجیل توماس* و *انجیل همدید* پرداخته است (pp. 333-83).

است که می‌تواند عالم جدید، ملکوت نور و صلح و سلم را ببیند.^۱

انجیل فیلیپ

انجیل فیلیپ (NHLE, pp. 131-51) عمدتاً به شاعر و اخلاق می‌پردازد. احتمال داده‌اند که در نیمه دوم سده سوم م. نگاشته شده باشد. *انجیل فیلیپ* بر جایگاه شاعر عطف عنایت می‌کند. حضرت عیسی (ع) "همه کارها را در یک راز، یک تعمید یک تدهین، یک عشای ربانی و یک نجات و حجله انجام داد." اشاره به حجله در این جمله نیاز به اندکی توضیح دارد. بنا بر آنچه در این انجیل آمده است در پیش از آفرینش عالم، و به ویژه قبل از خلقت آدم و حوا هیچ گونه تمایز و دوگانگی میان دو جنس مذکر و مؤنث وجود نداشت. از نظر گنوسیان مصیبت بشری از زمانی آغاز شد که حوا از آدم (ع) جدا شد و یگانگی فاقد جنسیت نخستین از میان رفت. مقصود از آمدن مسیح برقراری مجدد این یگانگی میان این دو جنس است، به این صورت که آدمی با عالم ملکی بالا به وصال می‌رسد و آن دوگانگی مبدل به یگانگی می‌گردد.

از نکات مهمی که در زمینه این انجیل می‌توان گفت آن است که در بیان داستان آفرینش حضرت آدم (ع) به مسائلی اشاره می‌کند که شبیه به آن در قرآن مجید آمده است. در صوره بقره (۳۰) آنجا که از آفرینش آدم (ع) سخن می‌گوید به محاجه فرشتگان با خداوند اشاره می‌کند. داستان این احتجاج فرشتگان در جایی از عهدین به چشم نمی‌خورد. لیکن در *انجیل فیلیپ* می‌توانیم اشاره‌ی گذرای به این مسأله ببینیم (NHLE, p. 142). البته، متأسفانه به سبب بیاضی که در نسخه خطی افتاده است صورت کامل داستان را از دست داده‌ایم، لیکن همین مقدار هم که باقی مانده نشان دهنده آن است که میان گزارش قرآن با آنچه در این انجیل آمده مشابهتی وجود دارد.

۱. راقم این منظور، *انجیل توماس* را به فارسی برگردانده است. ظاهراً این ترجمه، نخستین رساله از مجموعه متون نجع حمادی است که به فارسی درآمده است: *انجیل توماس* به روایت کشفیات نجع حمادی، هفت آسمان، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۵۱ - ۱۳۵.

انجیل مصریان

عنوان دیگر این انجیل (NHLE, pp. 195-205) "کتاب مقدس روح کبیر نامرئی" است. گنوسی‌ها در این رساله از تاریخ نجات و رستگاری سخن می‌گویند. در این رساله گفته می‌شود که شیث، فرزند آدم (ع) آن را نوشته است. رساله اصیل مصریان بر چهار بخش تقسیم می‌شود. در بخش نخست به عالم بالا می‌پردازد و در آن از خدای متعال و صدور یک سلسله موجودات نورانی و نیز پیدایش آدم (ع) و فرزندش شیث سخن می‌رود. در بخش دوم به اصل و تبار و نحوه حفظ و رستگاری نسل شیث می‌پردازد و اینکه شیث در قالب حضرت عیسی (ع) برای رهاسازی و نجات فرزندان خویش از آسمان فرو می‌آید. بخش سوم حالتی سرود مانند دارد و بخش چهارم هم باز به اصل و تبار فرقه گنوسی شیثی می‌پردازد و از چگونگی انتقال این رساله سخن می‌گوید. اگر بخواهیم که این انجیل را با اناجیل عهد جدید مقایسه کنیم باید بگوییم که اگر انجیلها شرح حال حضرت عیسايند در *انجیل مصریان* از تقریر زندگی شیث، اصل و منشأ نسل خلفش، محافظت قدرتهای ملکوتی از نسل او، آمدن شیث به این دنیا و کار نجات بخشی او سخن به میان می‌آید.

انجیل مریم

مجموعه‌ای که *انجیل مریم* (NHLE, pp. 471-74) در آن قرار دارد هم اکنون در شهر برلین نگهداری می‌شود. تاریخ تصنیفش را دقیقاً نمی‌توان تعیین کرد اما نسخه برلین به سده پنجم م. تعلق دارد. لیکن، تاریخ تصنیف بی‌گمان بسیار کهن‌تر از سده پنجم است، قطعاتی از این انجیل به زبان یونانی در دست است که به اوائل سده سوم م. تعلق دارد. اهمیت بسیار زیاد این رساله در آن است که می‌توان در آن از تقابل عده‌ای از گنوسی‌ها مسیحی با جریانی از مسیحیت که بعدها عنوان راست کیشی به خود گرفت و پیروان سایر نحله‌های مسیحی را تکفیر می‌کرد پرده برداشت. چنانکه می‌دانیم

کلیسای کاتولیک روم تبار معنوی خود را به یکی از حواریان به نام شمعون پطرس می‌رساند و در واقع او را پایه‌گذار کلیسای روم قلمداد می‌کند. البته این مطلب را مستند به جمله‌ای از یکی از انجیل (متی، ۱۸/۱۶ - ۱۶) می‌کنند که در آن حضرت عیسی (ع) در مورد شمعون می‌گوید "بر این سنگ کلیسای خود را بنا می‌کنم" ^۱ در صحنه‌ای، مریم ^۲ از حضرت عیسی (ع) که دیگر در میان اصحاب نیست و پیغامهای خاصی که آن حضرت برای ابلاغ به حواریان از طریق او داده بود سخن می‌گوید. پطرس از در مخالفت در می‌آید و مریم را دروغگو به شمار می‌آورد و او را شایسته این لطف و عنایت حضرت عیسی نمی‌داند. در نهایت، با پادر میانی یکی از حواریان معلوم می‌شود که پطرس عجولانه برخورد می‌کند و احتمال دارد که مریم طرف خطاب عیسی (ع) قرار گرفته باشد.

بنا بر آنچه در این انجیل آمده می‌توان چنین برداشت کرد که از همان اوائل، میان اولیای مسیحیتی که بعداً رسمیت یافت و برخی از بزرگان نحله‌ها و مشارب مسیحی که به مرور از میان رفته‌اند مناقشات عظیمی وجود داشته که این مخالفت به زبان رمزی و کنایی در این انجیل انعکاس یافته است (پاگلز ۴ - 43).^۳

انجیل مریم را می‌توان به دو قسمت متمایز تقسیم کرد. قسمت اول با صحنه‌ای آغاز می‌شود که در متون گنوسی منظره‌ای معهود و مشهور است و آن اینکه عیسی غایب از نظر خود را بر اصحاب می‌نمایاند و به پرسشهای ایشان پاسخ می‌دهد. چون

۱. واژه پطرس Peter در زبان یونانی و معادل آرامیش "کیفا" به معنی سنگ است. این واژه مجدداً به زبان یونانی وارد شده و به شکل Cephas درآمده است. در متون تاریخی و تفسیری اسلامی نیز از این نام به صورت «شمعون الصفا» یاد می‌کنند.

۲. منظور، مریم مجدیه است. نه حضرت مریم (س)، مادر حضرت عیسی (پاگلز، 42).

۳. رودولف بولتمان (۱۹۷۶ - ۱۸۸۶) متاله پیر آوازه آلمانی که مجهز به سلاح نقد تاریخی متن عهد عتیق و جدید را مورد بررسی قرار می‌داد جمله منقول از انجیل متی مبنی بر سنگ کلیسا بودن پطرس را الحاقی و غیر اصیل می‌داند (بولتمان، 218).

عیسی (ع) از میان جمع می‌رود حواریان از دوری او غمگین می‌شوند. در قسمت دوم، مریم ایشان را خطاب می‌کند و سخنان و پیغامهایی را که عیسی (ع) به او سپرده بود تا به حواریان بگوید به آنان ابلاغ می‌کند.

نتیجه

متون نجع حمادی در حدود نیمهٔ دوم سدهٔ چهارم به دست خاک سپرده شده‌اند. (NHLE, "intro", p. 19). لذا، بعد از حدود ۱۶۰۰ سال به دست بشر افتاده‌اند. متأخرترین رساله‌های موجود در این مجموعه در همان قرن چهارم استنساخ یا نوشته شده‌اند. اهمیت این قدمت در صورتی بهتر و بیشتر بر آفتاب می‌افتد که نسخ متون نجع حمادی را با کهن‌ترین نسخ انجیل‌های رایج و کلاً عهد جدید مقایسه کنیم.

صرف نظر از پاپیروسی به اندازهٔ ۴ سانتی‌متر که بخش‌های اندکی از *انجیل یوحنا* را در خود دارد و گفته شده که متعلق به اوائل سدهٔ دوم است، هیچ نسخه‌ای از انجیل‌های رایج در اختیار نداریم که به پیش از سدهٔ چهارم و پنجم تعلق داشته باشد (سی‌تنی، معرفی ... ج ۲، ص ۱۴۵ - ۱۴۲). از این رو، متون نجع حمادی اگر کهن‌تر از نسخه‌های عهد جدید نباشند متأخرتر از آنها نیستند. از این میان، *انجیل توماس* واقعاً جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا مجموعه‌ای از اقوال صرف و بدون هر گونه شاخ و برگ الحاقی و داستان پردازی است. گفتیم که بنا بر نظر برخی از محققان احتمال دارد که *انجیل توماس* منبع و مأخذ اصلی انجیل‌های چهارگانهٔ رایج باشد. این قول، هنگامی بیشتر جلوه می‌کند که در نظر داشته باشیم که گفته شده متی انجیلش را در اواخر سدهٔ اول میلادی با در هم آمیختن مجموعه‌ای از سخنان عیسی به نام *logia* با *انجیل مرقس*، پدید آورد (لاجوردی، ص ۳۱۸).

منابع

- *انجیل توماس* به روایت کشفیات نجع حمادی، ترجمهٔ منصور معتمدی، هفت آسمان،

پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۵۱ - ۱۳۵.

- پورجوادی، نصرالله، "کشفی که تاریخ مسیحیت را دگرگون کرد"، نشر دانش، خرداد و تیر ۱۳۶۴، ص ۳۲ تا ۳۸؛ این مقاله در مجموعه *از نگاهی دیگر*، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۷۸ تا ۱۹۰، نیز به چاپ رسیده است.

- سی تنی، مریل، *انجیل ایمان*، تهران، انتشارات آفتاب عدالت، بی تا.

- _____، *معرفی عهد جدید*، تهران، انتشارات حیات ابدی، ج اول: ۱۳۶۲؛ ج دوم:

بی تا.

- سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور*، قاهره، ۱۳۱۴ق.

- فاندر، [کارل گوتلیب]، *میزان الحق*، بی تا، بی تا.

- کلینی، محمد، *کافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷.

- کُیرانوی، رحمة الله، *اظهار الحق*، صیدا - بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.

- لاجوردی، فاطمه، "انجیل"، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، تهران، ۱۳۷۹.

- نسائی، احمد، سنن، قاهره، ۱۳۴۸ق.

- Bultmann, Rudolf, *Primitive Christianity, In its Contemporary Setting*, tr. into English by R. H. Fuller, Cleveland and New York, 1970.

- Carra De Vau, "Injdil", in *EI*, vol. III.

- Doresse, Jean, *The Secret Books of the Egyptian Gnostics*, New York, The Viking Press, 1960.

- Jonas, Hans, *The Gnostic Religion*, Boston, 1970.

- Griffith, Sydney H., "Gospel", *Encyclopaedia of the Quran*, Leiden, 2002, vol., II.

- Khalidi, Tarif, *The Muslim Jesus, Sayings and Stories in Islamic Literature*, Harward Univesity Press, 2001.

- Lazarus Yaffeh, Hava, "Tahrif", *EF*², vol. X.

- *The Nag Hammadi Library in English*, ed. By James Robinson, Leiden, 1984.

- Pagels, Elaine, *The Gnostic Gospels*, Penguin Books, 1982.

- Parrinder, Jeffrey, *Jesus in the Quran*, London, 1965.

- Valantasis, Richard, *The Gospel of Thomas*, Routledge, 2000.